



٩٦٧٩٢

۱۳۸۶



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

پایان‌نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

(گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)

عنوان:

تبیین مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه صدرایی و دلالت تربیتی آن

استاد راهنما:

دکتر سعید بهشتی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن آموزگار

استاد داور:

دکتر حسن ملکی

دانشجو:

عبدالسعید محمد شفیعی

اسفند ۱۳۸۶

۹۶۷۹۲

مجلس شورای اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه علامه طباطبائی

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۱۳



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

پایان‌نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

(گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)

عنوان:

تبیین مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه صدرایی و دلالت تربیتی آن

استاد راهنما:

دکتر سعید بهشتی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن آموزگار

استاد داور:

دکتر حسن ملکی

دانشجو:

عبدالسعید محمد شفیعی

اسفند ۱۳۸۶

۹۶۷۹۲



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

پایان‌نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش
(گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)

عنوان:

تبیین مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه صدرایی و دلالت‌ها تربیتی آن

استاد راهنما:

دکتر سعید بهشتی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن آموزگار

استاد داور:

دکتر حسن ملکی

دانشجو:

عبدالسعید محمد شفیعی

اسفند ۱۳۸۶

چند و چند از حکمت یونانیان

حکمت ایمانیان را هم بخوان

تقدیم به:

پیشگاه بلند مرتبہ صاحبِ خُلقِ عظیم،

حضرت رحمۃ للعالمین (ص)

تشکر و قدردانی:

با تشکر صمیمانه از تمامی اساتید معزز و بزرگوار که در طول دوره تحصیلی خوشه چین خرمن دانش و معرفت آنها بوده ام.

و با تشکر ویژه از محضر استاد دکتر سعید بهشتی که علاوه بر بهره گیری فراوان از کلاس های پربار ایشان، زحمات زیادی در تدوین این پایان نامه متحمل شدند و با دقت نظر راهنمائی های ارزنده ای ارائه فرمودند.

باسپاس از استاد پیشکسوت و بزرگوار دکتر محمد حسن آموزگار که با کرامت و بزرگواری مشاوره پایان نامه را برعهده گرفتند.

با قدردانی و عرض تشکر صمیمانه به محضر استاد مکرم دکتر حسن ملکی رئیس محترم دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی که با وجود مشغله فراوان، داوری پایان نامه را پذیرفتند و از رهنمودهای ایشان بهره مند شدم.

عرض ادب و احترام و سپاس نسبت به همکلاسی های محترم آقایان احمد ابوالفتحی، حسین نظریور، یاراحمدی، همایونی پور، تقی زاده و شاه محمدی و خانم ها ابراهیم نجف آباد، رمضانپور و حسین زاده.

و سپاس ویژه تقدیم به دوست بزرگواریم آقای اکبر مومنی که زحمات زیادی متقبل شدند.

چکیده:

تعلیم و تربیت، امروزه از ارکان زندگی بشری بوده و توجه بسیاری به خود مشغول داشته است. فلسفه تعلیم و تربیت بعنوان یک رشته دانشگاهی به مطالعه مبانی و شالوده‌ها و بنیان‌های تعلیم و تربیت رسمی، می‌پردازد. تحقیق حاضر، در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت و با رویکردی از این دانش، که به رویکرد دلالت‌ها مشهور است؛ انجام گرفته است. در این رویکرد با بررسی نظام‌ها و مکاتب فلسفی، دلالت‌هایی برای ارکان تربیت (مبانی، اصول، اهداف، محتوا و روش‌ها) استنتاج می‌گردد. موضوع این تحقیق نیز در همین راستا قرار دارد و عبارت است از بررسی مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه صدرائی و استنتاج دلالت‌های تربیتی از آن.

این تحقیق در دو بخش کلی انجام شده است، اول تبیین مبانی معرفت‌شناسی و دوم استنتاج اصول تربیتی. بخش اول در قالب چهار پرسش تحقیق، بررسی شده است. و طی آن آراء حکیم صدرالمتالهین، در باره مفهوم و امکان‌شناخت، ابزارهای شناخت، مراتب شناخت و نقش فاعل‌شناسائی در فرایند شناخت؛ تبیین شده است. در ضمن پرسش پنجم، بخش دوم تحقیق، یعنی اصول تربیتی استنتاج شده از مبانی معرفت‌شناسی، معرفی گردیده است. این اصول عبارتند از: ۱- اصل فعالیت و خلاقیت نفس ۲- اصل انعطاف‌پذیری ۳- اصل تدریجی بودن ۴- اصل مداومت ۵- اصل فردیت ۶- اصل یگانگی ذهن و عین ۷- اصل جامعه‌پذیری خلاق ۸- اصل درونی بودن ۹- اصل مرتبه‌مندی شناخت ۱۰- اصل تنوع در کاربرد روش‌های آموزشی ۱۱- اصل اعتدال در کاربرد روش‌های آموزش.

انجام این تحقیق از آن جهت ضروری است که چنین تحقیقاتی، گام‌های آغازین برای دست‌یابی به یک فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی هستند. و این خود مقدمه لازم برای بنیان نهادن یک نظام تعلیم و تربیت کارآمد و بومی- که همسو با اهداف عالیه اسلام و متناسب با فرهنگ غنی ایرانی، باشد- است.

روش این تحقیق، روش توصیفی، تحلیلی است. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا روشی است که در راه استنتاج منظم و عینی ویژگی‌های خاص یک متن به کار می‌رود.

واژگان کلیدی پژوهش: مبانی معرفت‌شناختی، دلالت‌های تربیتی، حکمت متعالیه صدرائی،

اصول تربیتی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه

۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- بیان مسأله
۵	۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش
۹	۴-۱- اهداف پژوهش
۱۰	۵-۱- سوال های پژوهش
۱۰	۶-۱- تعریف واژگان اختصاصی پژوهش

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۲	۱-۲- مقدمه
۱۲	۲-۲- مبانی نظری
۱۳	۱-۲-۲- جایگاه معرفت شناسی در مبانی فلسفی
۱۵	۲-۲-۲- اهمیت و جایگاه حکمت متعالیه صدرالتألهین
۲۶	۳-۲-۲- جایگاه معرفت شناسی در فلسفه ملاصدرا
۴۱	۴-۲-۲- تبیین رویکرد دلالت در فلسفه تعلیم و تربیت
۵۲	۳-۲- پیشینه تحقیق
۵۲	۱-۳-۲- پایان نامه
۵۵	۲-۳-۲- مقاله
۶۰	۳-۳-۲- کتاب

فصل سوم: روش تحقیق

۶۲	۱-۳- مقدمه
۶۲	۲-۳- نوع تحقیق
۶۳	۳-۳- روش تحقیق
۶۵	۴-۳- روش جمع آوری اطلاعات
۶۶	۵-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: یافته های تحقیق

۶۸	۱-۴- مقدمه.....
۶۸	۲-۴- پاسخ سوال اول پژوهش.....
۷۰	۳-۴- پاسخ سوال دوم پژوهش.....
۷۳	۴-۴- پاسخ سوال سوم پژوهش.....
۸۴	۵-۴- پاسخ سوال چهارم پژوهش.....
۹۴	۶-۴- پاسخ سوال پنجم پژوهش.....
۹۶	۱-۶-۴- اصل فعالیت و خلاقیت نفس.....
۹۹	۲-۶-۴- اصل انعطاف پذیری.....
۹۹	۳-۶-۴- اصل تدریجی بودن.....
۱۰۰	۴-۶-۴- اصل مداومت.....
۱۰۰	۵-۶-۴- اصل فردیت.....
۱۰۱	۶-۶-۴- اصل یگانگی ذهن و عین.....
۱۰۳	۷-۶-۴- اصل جامعه پذیری خلاق.....
۱۰۵	۸-۶-۴- اصل درونی بودن.....
۱۰۵	۹-۶-۴- اصل توجه به مرتبه مندی شناخت.....
۱۰۷	۱۰-۶-۴- اصل تنوع در کاربرد روش های آموزشی.....
۱۰۷	۱۱-۶-۴- اصل اعتدال در کاربرد روش های آموزش.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۰۹	۱-۵- مقدمه.....
۱۰۹	۲-۵- بحث پیرامون سوال های پژوهش.....
۱۰۹	۱-۲-۵- سوال اول پژوهش.....
۱۱۰	۲-۲-۵- سوال دوم پژوهش.....
۱۱۰	۳-۲-۵- سوال سوم پژوهش.....
۱۱۲	۴-۲-۵- سوال چهارم پژوهش.....
۱۱۳	۵-۲-۵- سوال پنجم پژوهش.....
۱۱۴	۳-۴- یافته های جانبی پژوهش.....
۱۱۷	۳-۵- محدودیت ها.....
۱۱۸	۴-۵- پیشنهادها.....
۱۲۱	منابع.....

فصل اول

مقدم

۱-۱- مقدمه:

در فصل اول تحت عنوان مقدمه یا کلیات، ابتدا مسأله تحقیق معرفی می گردد، آنگاه اهمیت مسأله مورد پژوهش، ذکر شده سپس اهداف تحقیق در دو قالب هدف کلی و هدف های ویژه بیان می گردد پس از آن پرسش های تحقیق مطرح خواهد شد. و در نهایت با تعریف اصطلاحات و واژگان، فصل پایان می یابد.

۱-۲- بیان مسأله:

تعلیم و تربیت، یکی از ویژگی های مخصوص انسان است، به گونه ای که می توان آن را همزاد بشر و وجه تمایز او از حیوانات دانست. این موضوع از ابتدای خلقت همواره به عنوان دغدغه فردی و جمعی انسان ها مطرح بوده و در طول تاریخ، اندیشه های سترگ و اراده های بزرگی را به خود معطوف کرده است. امروزه تعلیم و تربیت رسمی به عنوان یک نهاد اجتماعی و بصورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده و اغلب با مدیریت و نظارت دولت ها وظیفه خطیر تعلیم و پرورش را برعهده دارد.

گسترده‌گی روزافزون تعلیم و تربیت و پیچیدگی‌های این حوزه، سبب شده است که هر بخش آن را، دانشی به عنوان متولی بر عهده گیرد و حوزه علوم تربیتی روز به روز گسترده تر و تخصصی تر گردد. یکی از عمده ترین بخش های علوم تربیتی که به نوعی شالوده و بنیان آن را تشکیل می دهد، فلسفه تعلیم و تربیت می باشد. فلسفه تعلیم و تربیت از زمانی که به عنوان یک رشته ی دانشگاهی، به رسمیت شناخته شده، خود دچار تحولات و تطوراتی گردیده است. با توجه به گستردگی و دشواری دو حوزه فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت، حوزه اندیشه درباره فلسفه تعلیم و تربیت، همواره از پرچالش ترین حوزه های دانش بشری بوده، که نظرات و اندیشه های گوناگونی را تجربه کرده است.

یکی از شایع ترین و عمده ترین نظرگاه ها در فلسفه تعلیم و تربیت، نظرگاهی است که در آن این بخش از دانش بشری، محل بررسی و تبیین ارتباط بین مبانی فلسفی و مسائل تعلیم و تربیت دانسته می شود. مبانی فلسفی همانند هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی و مسائل تعلیم و تربیت مانند اصول، اهداف، محتوا و روش های آموزشی، این نظرگاه را با عناوینی همچون، رویکرد دلالت ها (implications approach)، رویکرد مواضع فلسفی (philosophical positions approach) و یا رویکرد ایسم ها (isms approach) نام گذاری کرده اند. در این دیدگاه، این مسأله طرح می شود که: یک دیدگاه

فلسفی معین و یا یک نظام فلسفی، حاوی چه چیزهایی برای تعلیم و تربیت است؟ به عبارت دیگر، در این رویکرد، فلسفه تعلیم و تربیت، از فلسفه و عمل تربیتی، از فلسفه تعلیم و تربیت، ناشی می شود.

قائلان به این دیدگاه، از راه استنتاج نکته ها و دلالت های تربیتی بنیادهای عمل تربیتی را فراهم می کنند و هدایت افعال تربیتی را بر عهده می گیرند. بهشتی (۱۳۸۵ ب، ص ۱۱۴)، بر این باور است که: «در یک نتیجه گیری کلی می توان در سه سطح از مفهوم یا ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت سخن گفت، سطح پیش استنتاجی، سطح استنتاجی و سطح پس استنتاجی و این سه سطح در طول یکدیگر هستند و بر هم ترتب دارند.»

هر یک از این سه سطح، ویژگی های خاصی دارند و روش کار در آنها نیز متفاوت است.

فلسفه تعلیم و تربیت در سطح استنتاجی، کوشش فکری منظم، منطقی و قاعده مند فیلسوف تعلیم و تربیت برای کشف و استنتاج دیدگاه های تربیتی فیلسوفان محض، در حوزه های تربیتی از اندیشه های فلسفی در سه قلمرو معرفت شناسی، وجود شناسی و ارزش شناسی است.

(همان)

تحقیق حاضر در قلمرو رویکرد دلالت‌ها قرار می‌گیرد و می‌توان آن را در سطح استنتاجی فلسفه تعلیم و تربیت در نظر گرفت.

در این تحقیق تلاش شده است میراث فلسفی حکیم متأله صدرالمآلهین شیرازی، جهت یافتن و مشخص کردن مبانی معرفت‌شناسی، مورد کنکاش قرار گیرد و سپس با رویکرد استنتاجی به کشف و استنتاج دیدگاه‌های خاص در حوزه اصول تربیتی اقدام شود.

به عبارت دیگر، مسأله این تحقیق عبارت است از تبیین مبانی معرفت‌شناختی نظام فلسفی ملاصدرا و آنگاه استنتاج و استخراج دلالت‌های تربیتی آن در زمینه اصول تربیتی.

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش:

آنچه ضرورت انجام این تحقیق را ایجاب می‌کند، این است که برای دست‌یابی به یک نظام تعلیم و تربیت کارآمد و بومی که همسو با اهداف عالی اسلام و متناسب با فرهنگ غنی ایرانی باشد لازم است، ابتدا به یک فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی دست‌یابیم و برای این منظور باید تحقیقات گسترده و دامنه‌داری در همه سطوح فلسفه تعلیم و تربیت انجام گیرد.

بررسی گذشته این رشته دانشگاهی در ایران و نیز توجه به نابسامانی های نظام تربیتی امروزی کشور ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را بیشتر نمایان می کند. از آغاز شکل گیری تعلیم و تربیت رسمی در کشور و پس از شکل گیری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه ها، همواره حجم عمده کار دانشگاهی و تحقیقات و مطالعات و بدنبال آن سیاست ها و عملکرد های تربیتی نظام آموزش و پرورش رسمی، کاملاً متأثر از جریان فکری و منابع موجود در غرب بوده است. متأسفانه شیفتگی و مرعوب شدن نسبت به تمدن غرب سبب شده است که، پژوهشگران و تصمیم گیران عرصه تعلیم و تربیت بدون نگاهی نقادانه، هر آنچه در غرب تولید می شده است را بی کم و کاست آرمان خود فرض کنند و با ترجمه بدون نقادی و تجزیه و تحلیل، آن ها را آموزش داده و سیاست های آموزشی را بر آن مبنا قرار دهند و در این راه میراث عظیم فکری و فرهنگی حاصل از سابقه شکوهمند ایران اسلامی را فراموش کنند و چشم بر معایب این کالاهای وارداتی ببندند.

حال آن که در مغرب زمین به تبع تحولات فکری و فرهنگی خاص آن اقلیم و بخصوص پس از انقلاب علمی و سیطره نگاه تجربه گرا و حاشیه نشینی مذهب، بسیاری از دانش های انسانی نیز راه به بیراهه بردند. که پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته است.

مهم ترین پیامد نامبارک عصر جدید اروپا، حذف دین از بسیاری از عرصه های زندگی انسان غربی بوده است. دامنه فرایند غم بار دین زدائی، دامن علوم هنجاری از قبیل علوم اخلاقی، عرفانی و تربیتی را هم گرفت. بدین سان رشته های مختلف در حوزه آموزش و پرورش نیز بر همان بنیان ناقص معرفت شناسی روئیدند و رشد کردند. (بهشتی،

۱۳۸۲، صص ۷۶-۷۵)

اکنون، احساس می شود به یمن حضور اساتیدی که علاوه بر آشنایی و تسلط به حوزه تعلیم و تربیت غربی، آشنائی عمیق با فلسفه پرشکوه اسلامی-ایرانی نیز دارند می توان امیدوار بود در کنار استفاده از تجارب و یافته های اندیشمندان غربی، نگاهی عمیق هم به آنچه خود داریم داشته باشیم. با مطالعه نظام مند میراث فکری و فلسفی بازمانده و واکاوی آنها، به رهنمودها و مبانی لازم، جهت برپائی بنیان استوار یک نظام تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی برسیم. در این نظرگاه این تحقیق امیدوار است گامی کوچک در این مسیر دشوار باشد. با این حال توجه به موارد ذیل خالی از فایده نیست:

۱- در میان مبانی فلسفی هر مکتب، مبانی معرفت شناختی جایگاهی خاص دارند؛ زیرا این مبانی گام اول در ورود به دیگر مباحث هستند و به عنوان ابزار و سنجه در بررسی سایر حوزه ها استفاده می شوند. از سوئی تعلیم و تربیت

به جهت آن که محتاج شناخت ساختار ذهن و نحوه عملکرد آن است؛ با معرفت شناسی سر و کار دارد. بنابراین در این تحقیق مبانی معرفت شناختی مورد مطالعه قرار گرفته اند.

۲- با بررسی سیر تحول فکر فلسفی در جهان اسلام در می یابیم که: حکمت متعالیه و مؤسس آن صدرالمتألهین شیرازی جایگاهی ممتاز دارند؛ به گونه ای که می توان به عنوان کامل ترین مکتب، آن را نماینده مناسبی برای تفکر فلسفی اسلامی - ایرانی دانست. بنابراین در این تحقیق از حکمت متعالیه به عنوان منبع الهام گرفته شده است.

۳- در بین ارکان تربیت اصول تربیتی اهمیتی درخور دارند. زیرا راهنما و معیاری برای عمل تربیتی فراهم می کنند. بهمین دلیل در این تحقیق به استنتاج اصول تربیتی پرداخته ایم.

۱-۴-اهداف پژوهش:

هدف کلی:

تبیین و معرفی سامانمند مبانی معرفت شناختی حکمت متعالیه صدرائی و استنتاج دلالت های تربیتی آن در زمینه اصول تربیتی.

هدف های ویژه:

- ۱- تبیین مفهوم و امکان شناخت در حکمت متعالیه صدررا.
- ۲- تبیین ابزارهای شناخت در حکمت متعالیه صدررا.
- ۳- تبیین مراتب شناخت در حکمت متعالیه صدررا
- ۴- مشخص کردن نقش فاعل شناسا در فرایند شناخت از نظر حکمت متعالیه صدررا.
- ۵- استنتاج دلالت های حاصل از مبانی معرفت شناختی حکمت صدرائی در تبیین اصول تربیت.

۱-۵- سوال های پژوهش:

- ۱- مفهوم و امکان شناخت در حکمت متعالیه صدرا چیست؟
- ۲- ابزارهای شناخت از نظر حکمت متعالیه صدرا کدامند؟
- ۳- مراتب شناخت در حکمت متعالیه صدرا چیست؟
- ۴- از نظر حکمت متعالیه صدرا فاعل شناسائی چه نقشی در فرایند شناخت دارد؟
- ۵- چه دلالت هایی را در حوزه اصول تربیت، می توان از مبانی معرفت شناختی حکمت متعالیه صدرائی، استنتاج کرد؟

۱-۶- تعریف واژگان اختصاصی پژوهش:

مبانی معرفت شناختی: مفاهیم و گزاره های کلی اخباری (هست محور) ناظر به حقایق معرفت شناختی هستند.

حکمت متعالیه صدرائی: آراء و اندیشه های فلسفی فیلسوف مسلمان، صدرالدین محمد شیرازی، معروف به ملاصدرا که در آثار مکتوب او برجا مانده است.

دلالت های تربیتی: نتایج و لوازم تربیتی ناشی یا مستنتج از مبانی فلسفی.

اصول تربیتی: مفاهیم یا گزاره های کلی انشائی (باید محور) که معیار و راهنمای اعمال تربیتی هستند.